

مسوولان ناهمراه سازمان میراث

هنوز کمتر از چهارماه از آمدن نجفی به سازمان می‌گذرد اما بی‌هیچ حرف اضافه و تعارفی باید گفت حداقل، در روابط عمومی این سازمان بر همان پاشنه قدیم می‌چرخد. مجموعه رخداد‌های چهارماه گذشته و شیوه مواجهه مسوولان این بخش از سازمان میراث، آنگار ناپخته، بی‌برنامه و مبتدیان‌ه بوده که حاصل کار تداوم یاس و دلزدگی خبرنگاران این حوزه شده است. عدم‌ارتباط درست با رسانه‌ها، عدم برگزاری نشست خبری از سوی ریاست سازمان، خودی و غیرخودی کردن خبرنگاران، واکنش‌های عجیب در برابر نقدهای کارشناسی و... تنها بخشی از این اقدامات در چهارماه گذشته بوده است.

شاید لازم‌به گفتن نباشد که روابط عمومی پیشانی هر دستگاه و نهادهی است. عملکرد منفی این بخش، می‌تواند کارکردهای مثبت سازمانی مثل میراث فرهنگی را دود کرده و به هوا بفرستد. نمونه یکی از اقدامات حیرت‌انگیز روابط عمومی سازمان میراث فرهنگی هفته گذشته و در هنگام سفر محمدعلی نجفی به استان کرمان و شهر بم رخ داد؛ اقدامی که خروجی یک برنامه خوب و کارشناسی را عملاً ضایع کرد و اگر خبرنگاران کمی خوش شانس نمی‌آوردند، معلوم نبود رییس و مسوولان سازمان، اکنون در چه وضعیتی قرار گرفته بودند.

داستان از این قرار بود که برای این سفر در روز چهارشنبه ۱۱ خبرنگار از روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های رسمی کشور برای پوشش برنامه‌ای با عنوان «نشست تخصصی بم و یک‌دهه میراث جهانی» از سوی روابط عمومی برای پوشش خبری دعوت شدند تا همراه معاون رییس‌جمهور به بم سفر کنند. غروب روز پنجشنبه و پس از پایان مراسم، رییس سازمان و هیات همراه، مسوولان روابط عمومی و خبرنگاران باید عازم شهر کرمان می‌شدند. گروهی برای صرف شام، استراحت و هتل و آماده‌شدن برای برنامه‌های فردا و خبرنگاران برای رسیدن به فرودگاه و برگشت به تهران با پرواز ساعت ۸ شب. در این میان مسوولان سازمان در همه رده‌های مختلف با ماشین‌های دولتی و با تعداد سرشنایان اندک بین ساعت ۴ تا ۴:۳۰، رهسپار کرمان شدند اما برای ۱۱ خبرنگار سه‌خودرو بین‌شهری، دو پژو و یک سمند از زمین‌ال کرایه شد. خودروهای حامل خبرنگاران ساعت حدود ۵:۳۰ عصر بم را ترک کرده و به جاده زده بودند، یک ساعت بعد و پس از رسیدن به دشتی وسیع به نام «سینه جونو» یکی از ماشین‌ها که حامل چهار خبرنگار خام بود از کار افتاد.

راندنده‌ها تماس گرفته و موضوع را به هم در میان گذاشتند. کمی بعد راننده ما خودرو را چرخاند و ۲۰ کیلومتر برگشت تا رسیدیم به خودرو خراب‌شده تلاش یک‌ساعته در هوای یک‌درجه زیرفر دشت سینه‌جونو و در حاشیه جاده‌ای که هر چند لحظه یک کامیون یا تریلی با سرعتی زیاد از آن می‌گذشت کارگر نشد.

در این میان تلاش‌های برای برقراری ارتباط با مسوولان سازمان، از رئیس گرفته تا مدیر روابط عمومی سازمان و دیگر مسوولان نیز کارگر نشد؛ نتیجه کار با بی‌پاسخ گذاشتن پیامک‌ها و تماس‌ها بود، یا جواب‌هایی سریالاً مثل «اتفاق است دیگر»، «چرا شلوغش می‌کنید»، «خودتان یک جوری مشکل را حل کنید» و... بود.

ساعت هشت شب شده بود و ما هنوز نصف جاده را هم نرفته بودیم، در نهایت خود راننده‌های خوش‌مرام بیمی مشکل را باسیم پوسل حل کردند. راننده‌ها مجبور شدند خودرو خراب‌شده را با خودرویی دیگر بکشانند. مجبور شدیم با سرعتی کم ۱۲۰ کیلومتر باقیمانده تا کرمان را برانیم. ساعت ۹:۳۰ دقیقه در نهایت خودرو خبرنگاران به فرودگاه رسید تا به هواپیمایی که با التماس نگه داشته شده بود، برسند. در نهایت ماجرا با خوش‌شانسی تمام شد و حادثه‌ای ناگوار رخ نداد.

اما هیچ بعید نبود در آن بیابان با سرمای کشنده‌اش، در جاده‌ای به نسبت خلوت که یکی از راه‌های ترانزیت قاچاق موادمخدر و کالاست، برای یکی از خبرنگاران حادثه‌ای رخ دهد. آنگاه معلوم نبود رییس سازمان میراث فرهنگی و دیگر مدیرانش حالا مشغول چه واکنش‌هایی بودند. این ماجرا در شرایطی رخ داد که این سازمان متولی اصلی گردشگری در کشور است اما اولین سوالی که در ذهن ایجاد می‌شود، این است که چنین سازمانی چرا از برپایی یک تور رسانه‌ای ساده برای ۱۱ خبرنگار عاجز است؟ با این وضع آیا می‌توان امید به بهبود صنعت گردشگری کشور داشت؟ و آیا اداره روابط عمومی سازمانی مثل میراث محلی برای تجربه‌آموزی و آزمون و خطاست؟به نظر می‌رسد، شایسته‌ست ریاست سازمان میراث قبل از آنکه خیلی دیر شود، اقدامی اساسی برای پیشانی سازمان تحت امرش کند.

فهیهمه‌سادات طباطبایی: «چاقو‌کشی‌ای که بین دو دانش‌آموز ابتدایی رخ داده در حیاط مدرسه نبوده، چند کوچه آنطرف‌تر مدرسه بوده؛ در ساعت مدرسه نبوده، بعد از نواخته‌شدن زنگ آخر رخ داده؛ دانش‌آموز به کما نرفته، رهسپار بیمارستان شده است.» اینها توضیحاتی است که «مسعود تقفی» رییس اداره روابطعمومی واطلاع‌رسانی آموزش‌وپرورش شهر تهران از روی برگه پشت تلفن برابیم می‌خواند.

تقفی می‌گوید: «دانش‌آموزان این صحنه را دیده‌اند و چون موضوع حد بوده، به مدرسه برگشته‌اند و به مسوولان خبر داده‌اند. آنها هم تا برسند گویا کار تمام شده و دانش‌آموز کلاس چهارمی بالاخره، ضربه چاقوی خود را روانه پهلوی دانش‌آموز کلاس ششم کرده و تمام. البته مسوولان مدرسه هم رد دانش‌آموز را به مدرسه می‌برند، با پلیس ۱۱۰، اورژانس و خانواده هر دو هم تماس می‌گیرند. دانش‌آموز مصروب رهسپار بیمارستان می‌شود اما پلیس دانش‌آموز ضارب را نمی‌برد و والدین دانش‌آموز مجروح از طریق مراجع قضایی از او شکایت کرده‌اند و پیگیر اتفاقی که برای فرزندشان افتاده‌هستند.»

طبق آخرین اطلاعات مدیر روابطعمومی و اطلاع‌رسانی آموزش‌وپرورش، دانش‌آموز مصروب از بیمارستان مرخص شده و قرار بوده از روز سه‌شنبه به مدرسه برود که خب مدرسه تعطیل بود. دانش‌آموز ضارب هم پس از آن روز خودش به مدرسه نيامده است. این تمام اتفاقی است که ۱۶آذر یعنی نزدیک به دوهفته گذشته، بین دو دانش‌آموز مدرسه ابتدایی شهید چنگیزی منطقه ۱۶ تهران رخ داده و روزنامه «شرق» نیز روز یکشنبه خبر آن را منتشر کرد.

آقای تقفی می‌گوید که به‌زور این حادثه ربطی به مدرسه و مسوولان آن ندارد و حتی باید از مسوولان مدرسه بابت رسیدگی به این اتفاق تشکر کرد. بروز این اتفاق در منطقه‌ای مانند منطقه ۱۶ خیلی عجیب نیست

و به بافت آنجا برمی‌گردد. **دانش‌آموزی که در ۹سالگی چاقو می‌کشد، ۲۰سالگی چه می‌کند؟**

اما آیا این اتفاق به همین نقطه ختم می‌شود؟ کامنت‌های بی‌شماری که از سوی کاربران اینترنتی زیر این خبر «شرق» که در سایت‌های خبری در روز یکشنبه نقل شده بود، منتشر شده، بیانگر ده‌ها پرسش است.

اسفندماه ۸۴سردار مهدی ابویی،مقام ارشد پلیس مبارزه با موادمخدر و مسوول اقدام عملیاتی علیه مصرف‌کنندگان موادمخدر و قاچاقچیان این مواد از اجرای طرح آزمایشی و ضربتی جمع‌آوری، سالماندھی و درمان معندان از اول اسفند خبر داد. این خبر در حالی منتشر شد که اجرای برخوردهای قهری و طرح جمع‌آوری و انتقال معندان به شوراآباد در نیمه‌نخست دهه ۷۰ بی‌نتیجه به نظر می‌رسید و این اردوگاه تعطیل شده بود و برخوردهای ضربتی جای خود را به همکاری باان‌جی‌اوها و فعال شدن آنها داده بود.

اسفندماه ۸۴احمدی‌نژاد، رییس‌جمهور وقت به ستاد مبارزه با موادمخدر دستور سالماندھی و جمع‌آوری معندان را داد. شوراآباد به شفق تغییرنام داد و مسوولان نیروی انتظامی به‌عنوان مجری جمع‌آوری از ظرفیت هزار ۰۰۰شفری اردوگاه خبر دادند.

شفق در سال ۸۴ تا ۸۵ به سازمان بهزیستی سپرده شد. این سازمان بهمدت یک‌سال ۲۰۰معتاد را در این اردوگاه نگهداری و درمان کرد. همان سال شفق دوباره تعطیل شد و در سال ۸۶ وزارت بهداشت با استفاده از روش متادون‌درمانی شفق را دوباره احیا کرد و در این سال هم ظرفیت اردوگاه حداکثر ۴۰۰شفر بود. اما تغییرات اعمال نشد. بهزیستی مجوز را مجمع تشخیص‌مصلحت‌نظام قانون مبارزه با موادمخدر را اصلاح کرد و ماده ۱۶ این قانون نگهداری یک تا سه‌ماهه معتدان متجاهر به دستور مقام قضایی در مراکز دولتی را

است. «چطور یک کودک ۱۰-۹ با خودش چاقو حمل کرده؟ چگونه توانسته وسط یک دعوی کودکانه، چاقو را در بیابرد و دوستش را تهدید کند؟ اصلاً با چه دل و جرأتی توانسته چاقو را در پهلوی دیگری فرو کند؟

کسی که در این سن چاقو می‌کشد ۱۰سال دیگر چه خلایقی می‌کند و...؟ البته اینها پرسش‌های معمولی‌ای است که در ذهن همه ایجاد می‌شود که در کنار آن ده‌ها پرسش عمیق‌تر هم شکل می‌گیرد که چه فرآیندی طی شده که یک دانش‌آموز، یک کودک ۱۰ساله چاقو‌کشی کند؟ چه علل یا عواملی در او این منطق خشونت‌بار را نهادینه کرده‌اند؟ والدین این کودک و خانواده‌اش در این فرآیند چقدر موثرند؟ نقش آموزش‌وپرورش به‌عنوان مهم‌ترین نهاد تربیتی و آموزشی چقدر است؟ نقش جامعه مدنی در شکل‌گیری چنین شخصیتی به چه میزان است و ده‌ها پرسش دیگر. داخل حیاط مدرسه یا پشت دیوارهای آن، چقدر توفیر می‌کند؟ آنچه که مهم است نفس اتفاقی است که رخ داده؛ اینکه دانش‌آموز پایه چهارم توانسته با ضربات چاقو، دانش‌آموز دوسال بزرگ‌تر از خود را دوقدم پایین‌تر از مدرسه از پای دربیاورد. همین و بس.

دانش‌آموز از والدین، معلم و... الگوبرداری کرده است

لیلا بهنام، آسیب‌شناس خانواده در گفت‌وگو با «شرق» با بیان اینکه در واکاوی این اتفاق باید دو الگوی یادگیری اجتماعی و کنترل خشم را مورد توجه قرار داد، گفت: پایه الگوی یادگیری اجتماعی سه‌کلیدواژه مشاهده، سرمشق‌گیری و مشاهده، پیامدهای رفتاری است. بهنام توضیح داد که مهم‌ترین پایه‌الگوی یادگیری اجتماعی خانواده، همسالان و مربیان آموزشی هستند که خیلی سریع رفتارهای آنها را مشاهده می‌کنند و در مرحله بعد، از روی آن، الگو یا سرمشق برمی‌دارند. در بسیاری از موارد نیاز نیست به کودک بگوییم چه رفتاری داشته باش یا نداشته باش. او طبق رفتارهای ما، الگو را خودش پیدا می‌کند.

این آسیب‌شناس خانواده ادامه داد: پس از الگوبرداری، کودک که پیامدهای رفتار نیز توجه می‌کند. او می‌بیند که والدین، دوستان یا مربیان رفتاری داشته‌اند و به‌دنبال آن پیامد خاصی برای آنها رخ نداده است. یک بزرگتر در خانه وسیله‌ای برتاب کرده، به روی

دیگری چاقو کشیده، پراخش و دادوبیداد کرده و اتفاقا همه از او حساب برده‌اند و کارش هم پیش رفته است. کودک توانایی این تحلیل را ندارد که این حساب‌بردن ناشی از ترس است و به عوامل دیگری مثل احترام برنمی‌گردد. او فقط پیامد ظاهری را می‌بیند.

بهنام گفت: حالا طبق این الگو، باید رفتار کودک ضارب را تحلیل کرد. اگر منطقه‌ای که کودک در آن زندگی می‌کند را در نظر بگیریم، قطعاً می‌توانیم بگوییم که او قبلاً این رفتار را مشاهده کرده و از آن سرمشق برداشته است و یک‌قدم جلوتر، مشاهده کرده که این رفتار پیامد بدی برای فرد موردنظر نداشته و تازه به او قدرت هم داده و حرفش هم به کرسی نشسته یا شاید نیازش برآورده شده است؛ پس آن را عیناً اجرا کرده است.

کودکان ما مدیریت هیجان نیاموخته‌اند

وی به مدیریت هیجان به‌عنوان دومین عامل نیز اشاره کرد و افزود: این موضوع از بزرگ‌ترین مشکلات شهروندان ماست که تنها مربوط به خشم نیست و شامل شادی، لذت، غم و... هم می‌شود. ما به فرزندان خود نیاموخته‌ایم هیجان‌هایشان را بشناسند چه برسد که به آنها یاد دهیم در موقع بروز هیجان‌شان باید چه رفتاری داشته باشند. این می‌شود که در عادی‌ترین مرحله، دادوفریاد می‌کنیم، در مرحله بعد وسیله‌ای را می‌آوریم و این مخصوص والدین نیست، در محیط مدرسه مربی این کار را می‌کند، در گروه همسال، دوست هم‌کلاسی آن را تکرار می‌کند و همین‌طور در همه‌جامشاهده می‌شود.

او درباره نقش آموزش‌وپرورش به عنوان نهاد تعلیم و تربیت هم افزود: متأسفانه در آموزش‌وپرورش این نکته جاافتاده که در مدارس جنوب‌شهر، می‌توان با دانش‌آموز بدترین برخورد را داشت، به او فحاشی کرد، او را تنبیه کرد و... با این تفاوت که آنها کمی شیک‌تر چاقو به‌دست نمی‌گیرند. به همین دلیل می‌بینیم معلم برای برخورد با دانش‌آموز، محکم به روی میز می‌کوبد، ناظم داد و فریاد می‌کند، مدیر به کونهای دیگر و دانش‌آموز در نتیجه همه این موارد، کنترل هیجان‌های خود را به این شکل از خانه و مدرسه‌ای می‌آورد. این آسیب‌شناس خانواده اضافه کرد: واقعاً چقدر مسوولان مدارس و معلمان آموزش‌های روانشناسی طرز برخورد با کودک را فرا گرفته‌اند؟ اصلاً

آموزش وپرورش شهر تهران:

دانش آموز کلاس چهارمی کوچه های اطراف مدرسه چاقو کشی کرد

چقدر دربراره تنبیه بدنی دانش‌آموزان می‌دانند؟ در واقع باید بگوییم که رفتار این دانش‌آموز مصداق این ضرب‌المثل است: «از ماست که برماست»

بهنام گفت که در بروز این اتفاق و موارد مشابه آن، باید بوم‌شناختی کرد، قطعاً خانواده، مدرسه و نهادهای اجتماعی دیگر موثر هستند. این سیکل معیوب باید در مناطق محروم مثل جنوب تهران یک جایی قطع شود، نباید بعد از این همه سال همچنان یک محله خطرناک باشد، به نظر من باید به آموزش‌های پیش از ازدواج برگردیم، آنجا که یک خانواده قرار است شکل بگیرد و قرار است مأمنی باشد برای فرزندپروری و در این راه تمام نهادهای آموزشی به‌ویژه مدرسه دخیل است.

آموزش‌وپرورش‌های‌عنوان می‌کنند مامقصر نیستیم و از این ماجرا تیری می‌جویند، آنها معتقدند که مسایل خارج از ساعت آموزشی و مدرسه به آنها ربطی ندارد. یعنی اگر دفعات بعد، کودکی در این مزروم روی دیگری «تیزی» بکشد، کسی جز خانواده که خود نقیصه‌های بزرگ تربیتی دارند، مقصر نیست و نهادهای آموزشی در آن نقشی ندارند.

احمدرضا ایزددوست، کارشناس ارشد علوم‌تربیتی و مدرس آموزش‌وپرورش گفت: واقعاً آموزش‌وپرورش نمی‌تواند بگوید مقصر نیست. اگر اینطور است نام پرورش را از سردر این وزارتخانه بردارد.

او ادامه داد: اینکه دانش‌آموز در خانه درست تربیت نشده درست است، اما معلم به‌عنوان مهم‌ترین رکن تربیتی نتوانسته روی رفتار این دانش‌آموز تاثیر بگذارد و این تربیت غلط را از ذهن او پاک کند. این دانش‌آموز بیشتر از پنج‌ساعت در روز در مدرسه است و تربیتش بین خانه و مدرسه تقسیم شده، پس چطور می‌توان گفت به آموزش‌وپرورش ربطی ندارد.

این کارشناس علوم تربیتی افزود: بهتر است آموزش‌وپرورش به زیرساخت‌های پرورشی و تربیتی خود توجه بیشتری داشته باشد و به جای پاک‌کردن صورت مساله، به فکر حل آن باشد. دانش‌آموز ضارب به مدرسه نرفته و اولین پرورده آنهاست که مراجع قضایی در حال پیگیری است، دانش‌آموز مصروب از شنبه به مدرسه می‌رود و این خطرره تلخ را برای دوستانش تعریف می‌کند و در این ماجرا، هیچ نهادهی خود را مقصر این ماجرا و ماجراهای تلخ دیگر نمی‌داند.

مرور مدیریت «شفق»؛ «شور آباد» سابق



بیماران منتظر

یارانه برای درمان اعتیاد معتادان متجاهر از این ارگان دریافت می‌کنند. این علاوه بر یارانه‌ای است که در ماه برای نگهداری معتادان از شهرداری می‌گیرند.

سال ۹۱ تقاضنامه‌ای میان طه طاهری، جانشین وزیر کشور در ستاد مبارزه با موادمخدر، مهدی چمران، رییس وقت شورای شهر و قالیباف شهردار تهران امضا می‌شود که بر اساس آن شهرداری موظف می‌شود تا برای معتادان متجاهر پنج کمپ در داخل شهر تهران با بودجه مصوب شورای شهر ایجاد کند. تقاضنامه‌ای برای کاهش ظرفیت کمپ‌های موجود و جبران کمبود ظرفیت‌ها که اجرایی نشد.

اینها در حالی است که عبدالرضا رحمانی‌فضلی، وزیر کشور و دبیر کل ستاد مبارزه با موادمخدر چندی پیش از کافی‌نبودن فضا و امکانات برای نگهداری معتادان خبر داده و گفته بود: «حجم بازداشتی‌ها هم زیاد است و نیروی انتظامی مشخصات و آدرس آنها را می‌گیرد و رها می‌کند تا بعد به سراغشان برود».

اگر تقاضنامه فوق اجرایی می‌شد شاید مشکل کمبود فضا در استان تهران به‌عنوان استثنایی که به گفته معاون درمان ستاد مبارزه با موادمخدر مشکلاتش بیشتر است کمتر می‌شد ضمن اینکه گرفتن اسم و آدرس معتادان شهرها و از دسترس خارج‌شدن سوق می‌دهد. از سوی دیگر واگذاری این کمپ‌ها به چهره‌های انتظامی و افراد خاص با استفاده از روابط، به پررنگ‌شدن نگاه انتظامی، حاکم‌شدن رویکرد جرم‌نگاری به معتادان و کم‌رنگ‌شدن نگاه کاهش آسیب اعتبار منجر شده است؛ موضوعی که اتفاقات رخ‌داده در کمپ شفق آنها را تأیید می‌کند اما سوال اینجاست که چرا ناظران باوجود تمام این اتفاقات در طول این سه‌سال سکوت کرده بودند و آیا تغییر نگاه انتظامی به حمایتی نسبت به معتادان اتفاق می‌افتد؟

هشدار نسبت

به کاهش سن زنان بی‌خانمان

● ایستنا: معاون توسعه خدمات اجتماعی سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران با تأکید بر آسیب‌پذیری بیشتر ساختار روانی و عاطفی زنان، گفت: باید برای زنان بی‌خانمان برنامه‌های جدی‌تری داشته باشیم. در سال ۹۰ به‌دنبال احداث مدرسه‌رای ویژه بانوان رفتیم ولی به‌دلیل تأمین‌نشدن اعتبار لازم امکان‌پذیر نشد و در حال حاضر مرکز شبانه‌روزی زنان لویزان وجود دارد، ولی جوابگوی این حجم مراجعه‌کننده نیست. جهانگیری‌فر با اعلام این‌آمار که ۱۵ تا ۲۰درصد بی‌خانمان‌های تهران زن هستند، نسبت به کاهش سن زنان کارتن‌خواب معتاد و غیرمعتاد و افزایش تعداد آنها هشدار داد.

نظر فرمانده «ناجا» در مورد فیلتر «وی‌چت» و نوسازی «فیلترینگ»

● ایستنا: فرمانده نیروی انتظامی با بیان اینکه پلیس مخالف اقدامات محدودکننده است، گفت: ستاد کمیته اضطرار نمی‌تواند برای مواقع غیراضطرار مصوبه‌ای داشته باشد و برای حل آلودگی هواروش‌های بهتری نیز وجود دارد. سردار اسماعیل احمدی مقدم گفت: شورایعالی فضای مجازی سه‌شنبه در حضور رییس‌جمهور جلسه تشکیل داد و در این جلسه به پیشنهاد نیروی انتظامی و حمایت وزیر ارتباطات مقرر شد کار گروهی در رابطه با نوسازی مصادیق مجرمانه و نوسازی فیلترینگ با روش‌های نوین ایجاد شود. وی با بیان اینکه اگر وی‌چت خوبی‌هایی دارد، نباید کل سرویس مسدود شود، گفت: این کار گروه نسبت به شناسایی مضرات برنامه‌ها اقدام کرده و تنها بخش‌های مضر حذف می‌شوند.

مرگ دهمین پلنگ در سال جاری

توله پلنگ گچساران به دلیل خونریزی تلف شد

● مهر: مدیر دیدبان محیط‌زیست و حیات‌وحش ایران از تلف‌شدن توله‌پلنگی که در جاده گچساران- دیل با یک خودرو برخورد کرده بود و تصور می‌شد جان سالم به‌در برده به‌دلیل خونریزی داخلی خبر داد. کیوان هوشمند با بیان این مطلب افزود: متأسفانه توله‌پلنگی که در محور گچساران به دیل با یک خودرو برخورد کرده بود حین انتقال به یاسوج تلف شد. در کمال ناباوری در کمتر از یک‌ماه گذشته این پنجمین پلنگ ایرانی است که در نقاط مختلف کشور به دلایل گوناگون کشته شده است. این درحالی است که مسوولان سازمان حفاظت محیط‌زیست به‌عنوان تنها ارگان متولی حفاظت از حیات وحش به خصوص گونه‌های نادر و در معرض انقراض کشور نه تنها هیچ طرح و برنامه‌ای برای پیشگیری از تکرار این وقایع ارائه نکرده‌اند، بلکه در این مدت واکنش و اظهارنظری در این رابطه نداشته‌اند.

سرانه درمان روستاییان کمتر از شهرنشینان است

● خانه ملت: رییس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، با انتقاد از اینکه بخش اعظمی از پزشکان زن حاضر به گذراندن طرح در مناطق محروم نیستند، گفت: با توجه به اینکه بین ۶۰ تا ۷۰درصد از فارغ‌التحصیلان پزشکی را خانم‌ها تشکیل می‌دهند اما اغلب این افراد، به دلایل مختلف حاضر به گذراندن طرح در مناطق محروم نیستند. حسینعلی شهریاری، با تأکید بر اینکه در قانون برنامه پنجم توسعه پیش‌بینی شده تا سرانه درمان روستاییان و شهرنشینان مساوی باشد، تصریح کرد: با وجود تأکید در قانون برنامه، اما باز هم دولت در لایحه بودجه سال ۹۳ این تبعیض را اصلاح نکرده است.

دیدار نهانودیان با دانش‌آموزان شین‌آبادی

● خانه ملت: عضو هیات ریسه کمیسیون بهداشت و درمان مجلس با یادآوری جلسه پنجشنبه‌شب نهانودیان با دانش‌آموزان شین‌آبادی، گفت: آقای نهانودیان به نیابت از رییس‌جمهور با دانش‌آموزان دیدار کرد و مقرر شد با حمایت دفتر ریاست‌جمهوری از روز شنبه اعمال جراحی این دانش‌آموزان انجام شود. وی گفت: تأمین هزینه‌ها و در نظر گرفتن مرکزی برای اعمال جراحی دانش‌آموزان شین‌آبادی با کیفیت بهتر، تنها درخواست این افراد به شمار می‌رفت.

نمایشگاه بین المللی نفت ، گاز و پتروشیمی

محل دائمی نمایشگاه های بین المللی جمهوری اسلامی ایران / ۱۶ تا ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۹۳

آغاز پیش ثبت نام از هم اکنون

www.oilshow.ir

Email: pr@iranoilshow.org

19th INTERNATIONAL OIL, GAS & PETROCHEMICAL EXHIBITION
May 6-9 , 2014 / Tehran International Permanent Fairground



جمهوری اسلامی ایران

وزارت نفت